



موضوع سیاست اجتماعی و محور آن مسائل رفاهی از دیرباز مورد توجه متفکران غربی بوده است. فلاسفه و عالمان علوم اجتماعی همیشه در پی پاسخ دادن نظری به نیازهای رفاهی جامعه بوده‌اند. اما در ایران علیرغم تحولات اقتصادی و اجتماعی مسأله رفاه مردم ایران موضوع جدی برای حوزه‌های نظری نبوده است.

به عبارت دیگر نظریه از عمل بسیار عقب افتاده است و جامعه روشنفکری ایران به منظور یافتن راه‌حلهای مناسب برای مشکلات و تنگناهای رفاهی جامعه باید با آنها درگیر شود. این موضوع را

با اسانید و دست‌اندرکاران مسائل رفاه و تأمین اجتماعی در ایران به بحث گذاشته‌ایم. یکی از ویژگیهای این میزگرد این است که افراد شرکت‌کننده ضمن اشراف بر تحولات حوزه نظری، مسائل رفاهی مردم را از نزدیک لمس کرده‌اند. دکتر محمدحسین شریف‌زادگان که متخصص در برنامه‌ریزی توسعه و استاد دانشگاه شهید بهشتی است ریاست بزرگ‌ترین سازمان رفاهی را برعهده دارد (سازمان تأمین اجتماعی) و دکتر بهرام پناهی به عنوان معاون پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به نیازهای پژوهشی این سازمان پاسخ می‌دهد. دکتر علی شکوری استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی در این دانشکده است که دوره‌های برنامه‌ریزی رفاهی را در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس به راه انداخته‌اند. دکتر علی اصغر سعیدی نیز مدرس دروسهای دولت و رفاه و نظامهای تطبیقی رفاهی است. تداوم چنین میزگردهایی می‌تواند تا حدی شکاف بین نیازهای رفاهی مردم و نظریه پردازی و یافتن راهکارهای مناسب را پر کند.

سعیدی: خیلی تشکر می‌کنم که دعوت ما را پذیرفتید، می‌خواستم اگر موافق باشید با این سؤال شروع کنیم که با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی در کشور که از یک صد سال گذشته شروع شده است، همپای این تحولات مسائل رفاهی رشد داشته است اما اگر ما به حوزه‌های دانشگاهی نگاه کنیم به همان اندازه مسائل رفاهی مورد توجه قرار نگرفته‌اند، یعنی گفتمان رفاهی در ایران، رشد محسوسی نداشته و می‌خواستم ببینم نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

شریف‌زادگان: به نظر می‌آید که این قضیه تنها در حوزه رفاه اجتماعی به تعبیر شما یا سیاستهای رفاهی نیست، در همه زمینه‌های علوم اجتماعی این طور بوده است. مثلاً شهرهای ما در حال گسترش است ولی راجع به مسائل علمی مربوط به شهرها، کارهای گسترده‌ای نشده یا حداقل تولید علم در آن زمینه انجام نپذیرفته است. یا اینکه به هر صورت ایران یک جامعه در حال تحول است و از یک جامعه صددرصد سنتی رسیده‌ایم به یک جامعه نیمه سنتی، نیمه مدرن، یک چنین تحول و تغییرات اجتماعی به‌طور مشخص در دانشکده‌های علوم اجتماعی، کمتر مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد. یا تحولات اقتصادی در ایران به خوبی مورد بررسی واقع نشده است.

در دانشکده‌های اقتصاد، درسی به نام اقتصاد ایران داریم که مسائل ایران را در آن چارچوب مطرح می‌کنند. در صورتی که می‌دانید تمام تئوریهای اجتماعی و اقتصادی پشتش یک داستان محیطی دارد و تئوریه‌ها در آن فضا شکل می‌گیرد. این مسئله در همه حوزه‌ها عمومیت دارد، مشخصاً در حوزه‌ای که مربوط به سیاستهای رفاهی جامعه ایران است نیز مصداق دارد یعنی باید مسئله با کمک تجارب و ابزارهای علمی شناخته شده در محیط ایران طرح شود و ما ضمن شناخت مسئله سعی در تولید ادبیات علمی برای حل مسائل خودمان بکنیم تا بتوانیم به آستانه تولید علم در این بخش برسیم.

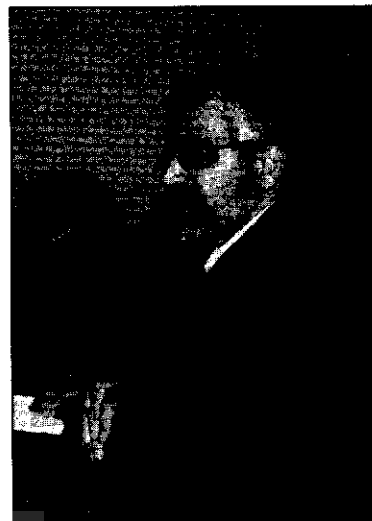
من فکر می‌کنم این قضیه یک مقدار به مسائل مربوط به نوع اداره جامعه

گناهات فردی
رتال جامع علوم انسانی

رفاه اجتماعی در ایران: پیشی گرفتن عمل بر نظر

محمدحسین شریف‌زادگان، بهرام پناهی، علی شکوری و علی اصغر سعیدی

مربوط است. یعنی مسئله مردم‌سالاری، دموکراسی با این قضیه ارتباط پیدا می‌کند. یک جامعه بسته خیلی راجع به مسائل خودش فکر نمی‌کند، به مردم اجازه نمی‌دهد که راجع به این قضیه خوب فکر کنند. لذا دانشگاه‌ها هم به این مسائل نمی‌پردازند دانشگاه ما سالها در حوزه علوم اجتماعی مسائل بیرون مرزی را مورد بررسی قرار می‌داد، کمتر راجع به مسائل ایران بحث و جدل می‌کرد. حالا



شریف زادگان:
مردم راجع به بیمه، مالیات و قوانینی که مربوط به زندگی روزمره انسان است اطلاعات کمی دارند، برعکس راجع به مسائل سیاسی اطلاعاتشان خیلی وسیع است و بعضی وقتها بیش از اندازه‌ای که مورد نیاز است اطلاعات دارند

پناهی: اجازه می‌خواهم به صورت تکمیلی نکاتی را عرض کنم. اصولاً مقولات رفاهی، اجتماعی متأثر از یک فرایند تاریخی است که این فرایند در عصر جدید، بخصوص طی یک‌صدسال گذشته، ابتدا در کشورهای غربی اتفاق افتاده، و پس از انقلاب صنعتی به صورت تدریجی در اثر شکل‌گیری صنعت و توسعه مبادلات اقتصادی در سطوح بین‌المللی و افزایش تولید ناخالص ملی کشورها، شکل گرفته است.

در کشور ما این فرایند به صورت منسجم و تدریجی توسعه نیافته، بلکه یک باره به دلیل افزایش غیرمنتظره درآمدهای نفتی طی دهه هفتاد میلادی، در نزد سیاست‌گذاران و عموم مردم به نوعی یک تفکر رفاهی ایجاد شد که البته این تفکر یک طرز تلقی ناموزن و غیرطبیعی بوده که متأسفانه پس از انقلاب اسلامی و تا دوران حاضر نیز ادامه دارد. این بدان معنی است که فرایند رفاهی در ایران بدون شکل‌گیری ارزشهای اجتماعی و اقتصادی نظیر کار و تلاش (اشتغال) و نهایتاً تولید و بهره‌وری نیروی کار جامعه و رشد و توسعه یافته است که چنین فرایندی به نظر اینجانب غیرطبیعی و نامتوازن است. به همین دلیل تا زمانی که در کشور ساختار و نظام

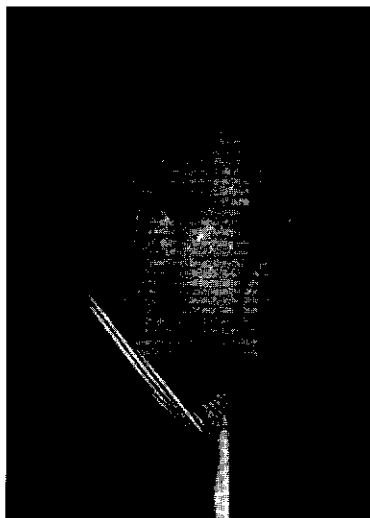
متناسب اقتصادی تحقق نیافته و وضعیت اشتغال و تولید و وابسته به آن بهره‌وری نیروی کار ارتقاء پیدا نکند، گسترش حوزه تأمین اجتماعی در حوزه‌های رفاهی (حمایتی) و حتی بیمه‌های اجتماعی با چالش‌های جدی و اساسی همراه خواهد بود. بخصوص که مقوله رفاه اجتماعی تعریف گسترده‌تری داشته و شامل حوزه‌هایی نظیر آموزش (از سطوح ابتدایی تا عالی)، مسکن و همچنین بهداشت و درمان و سایر مسائل مرتبط نیز می‌گردد. به همین دلیل می‌توان ادعا نمود که شکل‌گیری اولیه و روند توسعه این فرایند حالت طبیعی و موزون، مشابه تحولات انجام شده در کشورهای غربی، نداشته است.

که جامعه ما نیمه باز شده، طبیعتاً این مسائل در دانشگاه‌ها بیشتر مطرح است که روشهای علمی، تئوریا و نظریه‌ها را به کار ببرند برای اینکه جامعه ایران را بشناسند و راهکارها را پیدا کنند شناخت عمیق‌تری پیدا کنند. جامعه ما هم که جامعه در حال گذار است طبیعتاً اگر بخواهد توسعه پیدا کند محتاج این است که در دانشگاه‌هایمان، مسائل مربوط به توسعه ایران مطرح شود، ما می‌بینیم در بعضی مقاطع بعد از انقلاب راجع به توسعه سیاسی در ایران این طور شد، اوایل انقلاب طرح شد، الان در ۶ سال اخیر مطرح شده ولی مسائل اجتماعی این حالت را نگرفته یا بسیار ضعیف است، هم در محافل علمی و هم در سطوح

اجتماعی، این مسئله می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد، منتهی نتیجه‌اش این است که مردم که استفاده‌کنندگان این اندیشه‌اند در جامعه، اطلاعات اجتماعی بسیار کمی دارند. الان مردم ما اطلاعات سیاسی خیلی وسیعی دارند ولی اطلاعات اجتماعی‌شان خیلی کم است برای توسعه اجتماعی ما محتاج این هستیم که مردم اطلاعات اجتماعی خیلی گسترده‌ای داشته باشند راجع به حوزه‌هایی که به سرنوشت‌شان مربوط است اطلاعات ضروری را داشته باشند. ولی در ایران می‌بینیم که مردم اطلاعات اجتماعی خیلی کمی دارند، مردم راجع به بیمه، مالیات و قوانینی که مربوط به زندگی روزمره انسان است اطلاعات کمی

دارند، برعکس راجع به مسائل سیاسی اطلاعاتشان خیلی وسیع است و بعضی وقتها بیش از اندازه‌ای که مورد نیاز است اطلاعات دارند. این وظیفه حکومت و نهادهای اجتماعی است که اطلاعات در اختیار مردم قرار بدهد، این هم یک نوع توسعه اجتماعی است که می‌تواند به توسعه اقتصادی، اجتماعی کمک زیادی بکند.

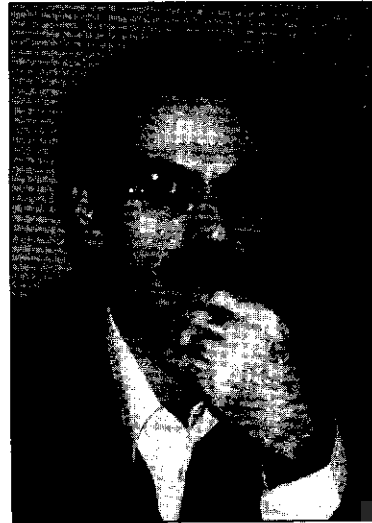
پروفسور علوم انسانی پناهی:
فرایند رفاهی در ایران بدون شکل‌گیری ارزشهای اجتماعی و اقتصادی نظیر کار و تلاش و نهایتاً تولید و بهره‌وری نیروی کار جامعه و رشد و توسعه یافته است که چنین فرایندی غیرطبیعی و نامتوازن است



به علاوه، شایان ذکر است که اصولاً ما در کشور در حوزه رفاه اجتماعی به معنای عام، پیشینه منسجمی، به جز یک سلسله سوابق سنتی و دینی، نظیر خمس، زکات، نذورات و ... نداشته‌ایم، در حالی که تئوریا و نظریه‌های رفاه اجتماعی، اعم از بخش بیمه‌ای یا حمایتی عمدتاً متکی بر نظریه‌های غربی است. به همین دلیل ما قادر نبوده‌ایم که در ارتباط با این تفکرات منطبق با

حتی راجع به وقایعی که در ایران اتفاق افتاده است در مورد تأمین اجتماعی و سیستمهای حمایتی نداریم و حتی یک کتاب علمی با استاندارد قابل قبول در مورد مسائل رفاهی ایران وجود ندارد که بتواند به عنوان منبع مورد استفاده واقع شود. هنوز که هنوز است در دانشکدههای حقوق در حقوق عمومی، درس تأمین اجتماعی را مشخصاً درس نمی‌دهند، قانون کار را درس می‌دهند و تأمین

شرایط تاریخی، ملی، سنتی و مذهبی کشور، در دانشگاهها تحقیق و نظریه پردازی کرده و سعی کنیم مدل‌های مذکور را با شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور مطابقت دهیم. لذا بهکارگیری و اجرای سیاستهای رفاهی، اعم از بخش بیمه‌های اجتماعی و یا حمایت‌های اجتماعی به نوعی حالت وارداتی داشته و هنوز هم در اغلب موارد برای جامعه ما حالت غریبه دارد. این موضوع در مورد سایر مسائل نظیر سیاستهای مالیاتی و گمرکی یا سیاستهای پارانهای نیز صدق می‌کند که همگی ابتدا از غرب به کشور سرایت کرده است، بدون آنکه با شرایط ایران بومی شده باشد.



شکوری: تقلیل مسائل علم و دانشگاه به موضوعات معیشتی شاید چندان صحیح نباشد، ولی بالاخره این یک واقعیت خطرناک است که دانشگاهیان با مسائل ابتدائی معیشت خود درگیرند

فارغ از اینکه اصولاً کلیه مسائل اجتماعی کشور اعم از سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و نظایر آن وابستگی مستقیم با درآمدهای نفتی کشور داشته، لذا مقوله رفاه اجتماعی نیز کمتر متأثر از کار و تلاش و خلاقیت، بلکه عمدتاً معطوف به فراز و نشیب درآمدهای نفتی است که نمی‌تواند به عنوان یک فرایند متعادل و پایدار تلقی گردد.

شریف‌زادگان: در تکمیل صحبت آقای دکتر پناهی، جامعه ایران، به خصوص ظرف این چهل، پنجاه سال اخیر، بیشتر تابع سیستم

اجتماعی در ذیل آن به شکل کلی و مبهم گفته می‌شود. و این نشان‌دهنده این است که ادبیاتش در این زمینه تولید نشده که بخوانند تدریس کنند. کتابی وجود ندارد، منابعی وجود ندارد که بخوانند دانشجویها را به سمت آن هدایت کنند.

سعیدی: من یک سوالی دارم، درست است که دولت رانتی ظهور کرده، اما مسئله دیگری هم اتفاق افتاده و آن توسعه ناپایدار یا توسعه ناهمگون است. یعنی توزیع درآمد عادلانه نبوده و در نتیجه پدیده‌ای به وجود آمد که این پدیده بعد از انقلاب هم بیشتر نمایان شده که همین پدیده فقر است. چرا با وجود عدم توزیع مجدد درآمد باز ما به مسئله ادبیات فقر می‌پردازیم اما به اینکه ما چه طور

رانتی بوده یعنی نهاد دولت یک نهاد رانتی بوده، نهاد رانتی بیشتر سرمایه‌اش را از تکاثر سرمایه ناشی از کار به دست نیاورده است، بلکه ناشی از مواهب الهی و ماورایی است مثل نفت و گاز که در ایران است. طبیعتاً چون نتیجه کار و کوشش نیست یک پروسه تاریخی را طی نمی‌کند، رفاهی که ناشی از این است، رفاهی است که به یک باره می‌آید و قاعدتاً چون فرصت تشکیل پروسه‌ای منطقی را ندارد، بیشتر یک امر وارداتی می‌شود، چون فرصت شکل گرفتن ندارد. نهایتاً مجبوریم نهادها و سیستمها و الگوهای اجتماعی را از خارج وارد کنیم و به شکل مصنوعی و غیربومی در جامعه تعبیه کنیم.

می‌توانیم این را کانالیزه کنیم در مسائل رفاهی، در نهادهای رفاهی، همان‌طور که در غرب بوده، توجه نداریم. چرا بخش دانشگاهی یا بخش روشنفکرهای ما به این مسأله بی‌توجه بوده‌اند؟

پناهی: همان‌طور که آقای دکتر شریف‌زادگان توضیح فرمودند، تفکرات و نظاماتی که از غرب به ایران وارد شده‌اند اعم از تجارب صنعتی، علمی، اقتصادی و غیره باید منطبق با شرایط اقلیمی و سیاسی و اجتماعی کشور تعریف شده و به عبارتی «ایرانیزه» گردند.

برای عامه مردم و اکثر سیاستگذاران و تصمیم‌سازان کشور به نوعی دستیابی به درآمدهای نفتی، بدون تلاش در جهت تولید، اشتغال و بهره‌وری، امری قدر مسلم تلقی گردیده و اکثراً این طور استنباط شده است که میراث ملی یا حق الاجاره‌ای از ثروت نفتی کشور در حال فوران است که باید میان مردم در جهت مصرف توزیع و تقسیم گردد.

این است که هنوز تفکر عامه مردم کشور این است که کلیه خدمات رفاهی، اعم از آموزش، بهداشت، درمان و نظایر آن باید به صورت رایگان ارائه گردد.



سعیدی: ما دانشگاهیان یک مقدار هم باید خودمان را نقد کنیم؛ همیشه نمی‌توان منتظر حمایت‌های دولت ماند، باید به سمت شناخت جامعه و بومی کردن تنوریها و ارائه راه‌های برون رفت از مشکلات باشیم

از طرف دیگر اجرای سیاستهای رفاه در کشورمان بسیار جلوتر از این است که دانشگاهها بتوانند خودشان را به آن برسانند و خود این هم یک مسئله تاریخی است که در ایران وجود داشته که امکان اینکه دانشگاهها بتوانند خودشان را به جریان واقعی توسعه جامعه ایران برسانند بعید است. به همین دلیل است که شما می‌بینید که ما ادبیات علمی مشخص و معلومی

در حالی که در سایر کشورهای صنعتی، نظیر آلمان یا انگلیس، ابتدا زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی لازم در جامعه آماده گردیده و سپس مقوله تأمین اجتماعی یا رفاه اجتماعی در آنجا شکل گرفته است. حتی نظام مذکور توانسته است بحرانهای اجتماعی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم را از طریق سیستم حمایتی رفاهی به صورت چشمگیری کاهش دهد و برای این موضوع به صورت جدی و عملی و نه به صورت سطحی و مقطعی چاره‌اندیشی نماید.

در برابر، در کشور ما مقامات رسمی اعلام می‌نمایند که خط فقر در شهرها بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تومان است، در حالی که حداقل دستمزد کارگران مولد جامعه که باید عامل بهره‌وری ملی باشند معادل ۸۵ تا ۹۰ هزار تومان، تعیین می‌گردد، که به مراتب زیر خط فقر قرار دارد. این موضوع در مورد سایر نیروهای کاری رده‌های شغلی تخصصی و کارشناسی هم مصداق دارد. همان‌طور که اطلاع دارید علی‌رغم تلاش‌های به عمل آمده طی سالهای اخیر، هنوز ما یک کشور در حال توسعه محسوب می‌شویم و از درآمد ملی پایینی برخورداریم. طبق اطلاعات موجود درآمد سرانه کشور مبلغی حدود ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار در سال است که پس از کسر درآمدهای حاصل از صادرات نفتی حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ دلار باقی می‌ماند. این بدان معنی است که نیروهای مولد جامعه، فاقد بهره‌وری لازم بوده و به دلیل عدم تولید کالا و خدمات در سطح مطلوب و عدم توجه به مزینت‌های اقتصادی در وضعیت درآمدی نامناسبی در مقایسه با خیلی از کشورهای قرار دارند. حال چگونه می‌توان با چنین درآمد سرانه‌ای از سیاستهای رفاه اجتماعی سخن به میان آورد و انتظارات رفاهی را تا حد کشورهای صنعتی پیشرفته که درآمد سرانه آنان بین ۲۵ تا ۴۰ هزار دلار در سال است، تحقق بخشید.

لذا در چنین حالتی بحث رفاه اجتماعی بخصوص در ارتباط با جمعیت روستاهای کشور تا حد زیادی مبالغه‌آمیز است. بهتر است ابتدا با طراحی مدل‌های اقتصادی لازم شرایط مقدماتی برای کار و معیشت انسانها فراهم شود و در مرحله بعدی متأثر از تلاش مذکور و به تناسب میزان تولید ناخالص ملی کشور، برای رفاه اجتماعی برنامه‌ریزی نمود، زیرا رفاه یک مرحله پس از تأمین نیازهای اولیه انسانها از نظر معیشتی است.

سعیدی: اجازه بنهید مسئله را ببریم به سمت مسائل نشر. در همین مجموعه ما کتاب مآخذشناسی گردآوری شده توسط آقای مردیها را بررسی کرده‌ایم. کتاب به خوبی نشان می‌دهد که کارهای پژوهشی و آموزشی جدی در زمینه رفاه و تأمین اجتماعی اندک بوده‌اند. اما ما از یک طرف سازمانهای تأمین اجتماعی را داریم. خود شما هم می‌گویید که بیمه رشد کرده ولی ادبیات این موضوع حداقل در حوزه نشر آن ضعیف بوده است. به نظر شما چه موانعی در این عرصه وجود داشته است؟

پناهی: به طور کلی هر فرایندی باید به صورت تدریجی شکل پذیرد. اگر این واقعیت را بپذیرا باشیم که رفاه و تأمین اجتماعی در کشور به معنای واقعی در ابعاد مورد نظر رشد و توسعه نداشته است، منطقی است که در حوزه نظریه‌پردازی، کتاب و انتشار هم همین کاستیها مطرح باشد. مع‌الوصف، علی‌رغم کلیه کمبودهای موجود که در این حوزه خاص به چشم می‌خورد، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی سعی نموده است طی یک دهه اخیر بیش از ۴۰ کتاب تخصصی در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و مسائل مرتبط انتشار دهد، تاکنون بیش از یکصد پژوهش علمی در حوزه‌های مختلف بیمه‌ای و حمایتی در مؤسسه به مورد اجرا گذارده شد. طی سال‌های اخیر ۵ همایش ملی و منطقه‌ای در ارتباط با مقوله رفاه و تأمین اجتماعی در کشور برگزار گردیده است و سعی بر آن بوده است که حداقل یک سخنرانی علمی یا کارگاه پژوهشی در ماد در دانشگاههای کشور برنامه‌ریزی و اجرا گردد.

البته توسعه و پیشرفت در این حوزه نیز متقابلاً بستگی به استقبال دانشجویان و اساتید محترم دانشگاهی دارد که عامل تقاضا محسوب می‌گردد. در حالی که هنوز پس از گذشت بیش از ۵۰ سال از آغاز نهضت رفاه و



پناهی:

هنوز در جامعه ما آینده نگری و

فرهنگ تأمین بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود،

اکثر کارفرمایان و نیروهای مولد جامعه

به مقوله بیمه اجتماعی اعتقاد راسخ و اساسی ندارند

و تصور می‌کنند که جامعه یا دولت باید

این خدمات را در سطح گسترده

به صورت رایگان ارائه دهد

تأمین اجتماعی در کشور هنوز حتی یک رشته دانشگاهی در مورد مسائل تأمین اجتماعی وجود ندارد، انتشار بیش از ۴۰ کتاب، ۱۰۰ پژوهش علمی و ... ضریب قابل توجهی است.

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی با دانشگاه علوم بهزیستی سعی داشته‌اند طی سالهای اخیر در این حوزه فعالیتهای علمی مؤثری را ساماندهی نموده که لایحه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی یکی از ثمره‌های آن است.

همین‌طور طی سالهای اخیر تنها بیش از ۸۰ پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد و دکتری در ارتباط با مسائل حوزه رفاه و تأمین اجتماعی با همکاری مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی تدوین گشته است که همگی حاکی از پیشرفت نظریه‌پردازی در این حوزه دارد. در کنار آن مسئولین کشور می‌بایستی برای مقوله رفاه تأمین اجتماعی اقدام به فرهنگ‌سازی کنند. این فرهنگ‌سازی باید از دوران دبستان شکل گرفته و در کتابهای درسی منعکس باشد. هنوز در جامعه ما آینده‌نگری و فرهنگ تأمین بسیار کم‌رنگ دیده می‌شود. اکثر کارفرمایان و



نیمه سنتی و این ابزارهای مدرن وجود دارد، طبیعتاً دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقی هم از این بی بهره نیستند. نتیجه‌اش این می‌شود که دانشگاهها هم به دنبال مسائل واقعی جامعه ایران نمی‌روند. تأمین اجتماعی هم یک مقوله مدرن است و ما همواره باید کار کنیم که مردم بیشتر راجع به آن آگاه شوند این وظیفه نهادهای عمومی و خود دولت است، شما می‌دانید که بزرگ‌ترین منبع برای ایجاد تقاضاهای اجتماعی، گروهها و اقشار اجتماعی متوسط اند که محل استقرارشان جامعه شهری است. شهرهای ایران، از ۲۵۰ شهر در اوائل انقلاب به ۸۹۰ شهر رسیده‌اند. مردم در این شهرها روز به روز تقاضاهای جدید اجتماعی دارند، یعنی توسعه تقاضای اجتماعی مقوله‌ای نیست که در کشور ما متوقف شود بلکه رو به گسترش است. بنابراین محافل علمی هم باید از وقایعی که در کشور ما اتفاق می‌افتد یک مقدار پیشروی کنند. الان عملیاتی که در کشور ما در مورد مسئله رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد، خیلی جلوتر از کارهای علمی و نظری و تحقیقاتی است که در مراکز پژوهشی و علمی صورت می‌گیرد.

سعیدی: این بحث شما درست است، به شرط اینکه در یک فرآیند طبیعی باشد. الان بازار نشر ما یک بازار بی‌کشش است. یعنی اگر حمایت دولت در این زمینه نباشد، در خیلی از حوزه‌ها کتابی چاپ نمی‌شود، یعنی مسئله عرضه و تقاضا حرف درستی است ولی در یک حوزه‌هایی وزارت ارشاد کمک می‌کند و آن را به حرکت درمی‌آورد. شما فکر نمی‌کنید اینجا هم لازم باشد حمایتی صورت بگیرد؟

شریف‌زادگان: بله ما خودمان به‌عنوان یک دستگاه اجرایی که متصدی کار تأمین اجتماعی در کشوریم. این کار را کردیم، الان تولید کتابهایی که انجام می‌گیرد توسط موسسه عالی پژوهش بسیاری از اینها غیراقتصادی است ولی اینها تولید می‌شود، و توزیع می‌شود.

مثلاً فصلنامه‌ای که داریم، یک فصل‌نامه علمی است که خیلی مؤثر و مورد استقبال است ولی به هر صورت آن هم با حمایت منتشر می‌شود، کنفرانسهایی که ما می‌دهیم در زمینه‌های مختلف، تمام این مقولاتی که انجام می‌پذیرد برای ایجاد مسئله در جامعه است، ما این کار را می‌کنیم ولی باید گسترده‌تر از این باشد یعنی تأمین اجتماعی همان طور که آقای دکتر پناهی گفتند در جهان امروز در کشورهای اول، از عمده‌ترین مسائل اجتماعی است و تمام انتخابات سیاسی، تمام اجتماعات سیاسی یکی از موضوعاتشان تأمین اجتماعی است. شما می‌دانید، هم در انتخابات امریکا، هم در فرانسه، هم در انگلستان مسئله تأمین اجتماعی مطرح بوده است. مشخصاً جزو مسائل روزشان است. دولتها در مسائل کلی مربوط به اداره بهتر جامعه این مسئله را در مبارزات سیاسی و انتخاباتی خود مطرح می‌کنند ولی در ایران این مسائل مطرح نیست. اصلاً سیاستهای اجتماعی خیلی کم مطرح است. بیشتر در ایران مسائل سیاسی و یا کلیاتی از مسائل اقتصادی در انتخابات مطرح می‌شود تا مسائل اجتماعی. مسائل اجتماعی یک مقداری رنگ‌باخته‌تر است این نشان دهنده یک نوع عدم توسعه‌یافتگی هم هست و نشان دهنده این است که هنوز جامعه ما از نظر ساختار حکومت آنقدر رشد نیافته است که بتواند مبرم‌ترین مسائل توسعه اجتماعی و اقتصادی را به عنوان سیاسی‌ترین مسائل جامعه مطرح کند.

شکوری: من فکر می‌کنم بخش عمده‌ای از مسئله رفاه به‌طور کلی و مسئله تأمین اجتماعی به‌طور اخص در چارچوب رشد علوم بالاجتماعی قابل تبیین است. چون اگر به رشد علوم اجتماعی در ایران نگاه کنیم، دلیل عمده‌ای که این علوم در جامعه پا گرفت سپس به صورت رشته دانشگاهی درآمد وجود برخی از تعارضها و مسائل نوین بود که بخش قابل ملاحظه‌اش به مقولاتی از قبیل تجدد و سنت، عقب‌ماندگی و ... ارتباط پیدا می‌کرد. جامعه و روشنفکران به نحوی دنبال تبیین این مسائل جامعه بودند. مسائل اجتماعی حتی قبل از ایجاد رشته علوم اجتماعی به عنوان رشته دانشگاهی از زمانی که برخورد و تقابل

شریف‌زادگان:

بزرگ‌ترین منبع برای ایجاد تقاضاهای اجتماعی،

گروهها و اقشار اجتماعی متوسط اند که

محل استقرارشان جامعه شهری است.

شهرهای ایران، از ۲۵۰ شهر

در اوائل انقلاب به ۸۹۰ شهر رسیده‌اند

مردم در این شهرها روز به روز

تقاضاهای جدید اجتماعی دارند

نیروهای مولد جامعه به مقوله بیمه اجتماعی اعتقاد راسخ و اساسی ندارند و تصور می‌کنند که جامعه یا دولت باید این خدمات را در سطح گسترده به صورت رایگان ارائه دهد. منابع مالی چنین خدماتی حتی از طریق کل درآمدهای نفتی کشور غیرقابل جبران است. تنها کار و تولید می‌تواند این خدمات را در سطح کمی و کیفی ارتقاء دهد.

همین طور لازم است به مقوله سرمایه اجتماعی در کشور بهاء بیشتری داده شود، زیرا براساس تحقیقات انجام شده توسعه و گسترش رفاه و تأمین اجتماعی در هر کشور مستلزم ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی است که متأسفانه در کشور، از سطح پایینی در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان برخوردار است.

شریف‌زادگان: یک نکته خیلی خوبی را ایشان گفتند راجع به مسئله تقاضا در ایران، به هر دلیلی تقاضا برای مسائل اجتماعی از این نوع سازمان یافته‌اش که برمی‌گردد به مسائل بیمه‌های اجتماعی کم است. چون کم است تقاضا برای تولید علمش هم کمتر است ضمن اینکه فاصله‌ای هم میان جامعه نیمه مدرن و

بین جامعه ما و غرب پیش آمد به گونه‌های مختلف طرح و بحث شد. عصر قاجار خصوصاً اواخر آن نقطه اوج این گرایش‌هاست. و با توجه به این زمینه تاریخی رشته‌های علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی تاسیس شد و نوقی یافت. البته این موضوع به نحوی در مورد برخی از کشورهای جهان سومی از جمله تایلند هم صادق است. به نظر می‌رسد مسأله عدم رشد سیاست اجتماعی یا توجه کمتر به آن در وهله اول ریشه در این داشته است که این موضوع به عنوان دغدغه عمده مطرح نبوده است و فشار و تقاضای زیادی نیز حس نمی‌شده است. البته این مسأله خود معرف توسعه نیافتگی جامعه ما بوده که نشان می‌دهد زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی آنچنانکه در اروپای بعد از انقلاب صنعتی رخ داد، تغییرات اساسی نکرده است و در نتیجه زمینه ظهور سیاست اجتماعی به صورت خودجوش به وجود نیامده است بدین جهت کمتر به عنوان یک موضوع علمی و مسأله دانشگاهی به طور جدی مطرح شده است. بنابراین طبیعی بود که صحبت از مقولات رفاهی در تاریخ ما خصلت وارداتی داشته و از بالا توسط دولت یا مصلحان و عمدتاً در قوانین رسمی منعکس می‌شده است.

معمولاً در جاهایی که نیاز نه توسط عامه مردم و توده‌ها بلکه به وسیله اقلیت نخبه (دولتمردان، علما و متخصصان امر) تشخیص داده می‌شود، برنامه‌ریزی بر محور هدایت تحقیقات یا تأسیس رشته است.

اما در جامعه خودمان به ندرت شاهد حمایت‌های سازمان یافته برای تقویت یا ایجاد رشته‌های مربوط به سیاست و رفاه اجتماعی بوده‌ایم. غالباً این انتظار مطرح می‌شد که مثلاً با یک تحقیق ده میلیون تومانی کل مشکلات مربوط به بیمه، سازمان، تأمین اجتماعی و... در کشور حل و فصل شود. در حالی که هر تحقیق تنها به یک سؤال یا سوالات خاصی می‌توانست پاسخ بدهد. به نظر می‌رسد اگر سازمان‌های متولی حمایت‌های گسترده در زمینه تحقیقات داشته باشند در دراز مدت شاید بتوان نتایج مثبتی را گرفت.

نکته دیگری که به نظر قابل ذکر است به عملکرد سازمان‌های تأمین اجتماعی به ترویج و روشنگری افکار عامه مربوط می‌شود. اندکی جای تأمل است که در جامعه‌ای که می‌توان در مدت خیلی کوتاهی عموم را آگاه کرد و تهییج کرد که برای ثبت نام موبایل ساعت‌ها در صف وقت صرف کنند ولی نمی‌توان تحولات اساسی‌تر و حیاتی‌تر اجتماعی همچون تأمین و یا مقولات مربوط به سیاست اجتماعی را ترویج کرد و اهمیت آن را به عموم یا رهبران شناساند.

سعیدی: شما اشاره کردید که عالمان علوم اجتماعی، به نحوی حمایت نشدند، اما آن طرف قضیه هم هست، عالمان علوم اجتماعی هم نتوانستند مشکلات جامعه را به یک نحوی حل کنند. هر جا که توانستند حل کنند، علوم اجتماعی هم رشد کرد. دکتر شریعتی مثال زنده‌اش است، یک مسئله را حل کرد که بالاخره اقبال به جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بیشتر شد. به هر حال ما یک مقدار هم باید

خودمان را نقد کنیم. همیشه هم نمی‌توانیم منتظر حمایت‌های دولت باشیم، یک مقداری فهم و شناخت از درون جامعه داشته باشیم، این تئوریا را بومی کنیم و راه‌های برون رفت را ارائه کنیم.

شریف‌زادگان: الان ما به چند دانشگاه پیشنهاد دادیم که رشته فوق لیسانس را در رشته علوم اجتماعی مثلاً جامعه‌شناسی با گرایش تأمین اجتماعی تأسیس کنند ما حمایت مالی می‌کنیم، در رشته حقوق، گفتیم که در رشته حقوق عمومی، بیایند و رشته‌های فوق لیسانس را یا با گرایش یا مستقلاً تأمین کنند ما حمایت می‌کنیم، در رشته آمار بیمه هم اگر فوق لیسانس تأسیس شود، ما حمایت می‌کنیم قاعدتاً این رشته‌ها باید به نحوی استقرار پیدا کند که تولید نیروی انسانی کند و طبیعتاً در جوار

این استادان، فضای علمی ایجاد می‌شود که این فضای علمی می‌تواند موجب تحقیقات شود. به طور مثال در انگلستان، تقریباً در اغلب دانشکده‌هایی که رشته جامعه‌شناسی دارند رشته (social work) هم دارند که درباره خدمات اجتماعی صحبت می‌کند، خدمات اجتماعی، که یکی از مهم‌ترین آنها هم مسائل مربوط به بیمه‌های اجتماعی، تأمین اجتماعی، بهداشت عمومی و این گونه مسائل است، خیلی از سفارشیایی که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است، آنها می‌پذیرند کارهای تحقیقاتی‌شان را انجام می‌دهند و از این طریق، هم خودشان ارتقا پیدا می‌کنند هم اینکه حل مسئله می‌کنند و در مجموع می‌تواند پدیده تأمین اجتماعی در جامعه ارتقا پیدا کند.

متأسفانه این شرایطی است که ما در جامعه نداریم در هر صورت همه باید دست به دست هم بدهیم که این شرایط به تدریج تغییر پیدا کند. یک دفعه هم تغییر پیدا نخواهد کرد، منتها ما باید آهنگش را تند کنیم.

سعیدی: سؤال آخر را می‌خواهم این طور مطرح کنم که به نظر شما، با حوزه کاری که شما دارید، فکر می‌کنید محققان، چه چشم‌اندازی در حوزه تحقیقاتی دارند؟ اگر بخواهیم حوزه تحقیقاتی و نشر را فعال کنیم، در چه حوزه‌هایی نیاز داریم و امکان رشدمان بیشتر است.

شریف‌زادگان: ما مشخصاً از طریق مؤسسه عالی پژوهش خودمان یک لیستی از کارهای تحقیقاتی مان داریم. بعضاً ما حتی افرادی پیدا نمی‌کنیم این تحقیقات را انجام دهند. یعنی تحقیق را معطل نگه می‌داریم. الان مواردی داریم که تحقیق زمین مانده، به دلیل اینکه محققش را پیدا نمی‌کنیم. محققها هم قاعدتاً باید استاندارد مشخص داشته باشند، آن افراد را با آن مشخصات پیدا نمی‌کنیم. ما هم قطعاً کوتاهی‌هایی داشته‌ایم. وظایف ما این است که در ایجاد انگیزه‌ها برای محققین خیلی تلاش کنیم. در طرح مسئله در جامعه، خیلی بیشتر از این تلاش کنیم، از آن طرف هم آنها باید قدم پیش بگذارند و بیایند در میدان

سعیدی:

بازار نشر ما یک بازار بی‌کشش است.

یعنی اگر حمایت دولت در این زمینه نباشد،

در خیلی از حوزه‌ها

کتابی چاپ نمی‌شود

که کار تحقیقی انجام بپذیرد، طبیعتاً اینها، عمدتاً انگیزه‌های انسانی‌اش قوی‌تر از انگیزه‌های مالی است. ولی ما هم وظیفه‌مان این است که حتماً این را در حدی که شأن تحقیق است بتوانیم تأمین منابع کنیم و پول مناسبی در اختیارشان بگذاریم که این کار انجام بپذیرد

پناهی: ما در حوزه پژوهش‌های رفاه تأمین اجتماعی فهرستی از طرح‌های مورد نیاز در سطوح کلان و خرد در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی تهیه کرده‌ایم و این آمادگی وجود دارد که حسب رشته‌های تخصصی، هر یک از طرح‌های تحقیقاتی به مجریان واجد شرایط واگذار گردد. مشکل اساسی در کشور دستیابی به پژوهشگران حرفه‌ای و متخصص است که این ضعف ناشی از



شکوری:

**در جامعه‌ای که به راحتی می‌توان
مردم را برای ثبت نام موبایل
و صرف ساعتها وقت در صف تهییج کرد،
جای تأمل است که چرا نمی‌توان
مقولات اساسی‌تر مانند تأمین اجتماعی را
ترویج کرد**

عدم گسترش تحقیق کاربردی در سطح دانشگاه‌های کشور است لذا ما بعضاً اساتید دانشگاهی و پژوهشگرانی را برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی به ویژه در حوزه‌های خاص نظیر آمار و محاسبات بیمه‌ای پیدا نمی‌کنیم و اغلب طرح‌های مذکور زمین مانده‌اند.

به علاوه مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی در نظر دارد تعدادی از دانشجویان ممتاز را از مرحله کارشناسی ارشد یا دکترا در طرح‌های تحقیقاتی مشارکت داده، به قسمی که افراد مذکور پس از طی مراحل مختلف کاری بتوانند به عنوان برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های حوزه تأمین اجتماعی تربیت و در سطح سازمان‌های حوزه تأمین اجتماعی کشور فعالیت کنند.

ما در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی این مطلب را نمی‌پذیریم که کل تحقیقات حوزه‌های بیمه‌ای و حمایتی صرفاً به چند محقق به صورت محدود ارجاع شود و حالت انحصاری ایجاد کنیم. زیرا مسائل و مشکلات حوزه تأمین اجتماعی گسترده و متنوع بوده و نیازمند تفکرات و نظرات متنوع و همه‌جانبه است. از سوی دیگر، این انتظار را داریم که اساتید و دانشجویان محترم براساس واقعیت‌های جامعه ایران اقدام به پژوهش و ارائه طریق نمایند. تنها از طریق مطالعات نظری و یا تطبیقی، بدون آگاهی از وضعیت خاص کشور، نمی‌توان انتظار پژوهش‌های کاربردی را داشت.

همین طور مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی از کلیه دانشجویان

دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های کشور دعوت می‌کند در صورت تمایل عناوین پایان‌نامه‌های دانشجویی خود را در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی انتخاب کنند. در این ارتباط مؤسسه آمادگی دارد پشتیبانی‌های لازم را از جنبه علمی و حتی مادی ارائه نماید. برخی از طرح‌های تحقیقاتی که گسترده نبوده و به صورت محدود طی یک دوره زمان کوتاه و به صورت مطالعه دوره‌ای قابل اجرا است، می‌تواند توسط یک نفر از اساتید دانشگاهی به عنوان راهنما و ناظر و با همکاری یک یا چند دانشجو انجام پذیرد. به هر جهت مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی آمادگی کامل دارد در حوزه‌های رفاه و تأمین اجتماعی با کلیه اساتید دانشگاهی در رشته‌های مرتبط از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، آمار و محاسبات بیمه‌ای و اقتصاد بهداشت درمان همکاری نماید.

در کنار آن کلیه اساتید و پژوهشگران که تمایل به تهیه مقاله علمی برای فصلنامه تأمین اجتماعی یا تألیف و ترجمه کتاب در حوزه تخصصی رفاه و تأمین اجتماعی دارند، می‌توانند به مؤسسه مراجعه و با ما به صورت مستمر همکاری علمی داشته باشند.

ما از کلیه اساتید محترم دانشگاهی کشور دعوت می‌کنیم که در صورت تمایل از طریق ایراد سخنرانی‌های علمی در حوزه‌های مرتبط با مقوله رفاه و تأمین اجتماعی با مؤسسه همکاری تا در راستای توسعه و تعمیم فرهنگ تأمین

اجتماعی گام مشترک برداشته شود.

مطلب آخر که می‌خواستم به آن اشاره داشته باشم توجه اساتید و پژوهشگران محترم دانشگاهی به رعایت اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌شناسی در امر تحقیق و وقت‌شناسی است. تجارب حاصله موید این واقعیت است که اکثر پژوهشگران بدون برخورداری از شناخت مقدماتی در ارتباط با مقولات پژوهشی، اقدام به تحقیق می‌کنند که این موضوع باعث عدم تشخیص درست از نوع مسئله یا بیماری و نهایتاً ارائه نسخه‌های غیر کاربردی یا غیر موثر می‌گردد.

لذا توصیه می‌شود قبل از انجام تحقیق، حتماً مطالعات اکتشافی از سوی محققین محترم انجام پذیرد همین‌طور لازم است یافته‌های تحقیق طی مدت زمان معین ارائه گردد، زیرا به دلیل تغییر و تحولات سریع ساختاری در کشور، نتایج تحقیق اعتبار زمانی مشخص داشته و پس از آن فاقد ارزش لازم است.

به هر حال نقش اساتید و پژوهشگران دانشگاهی برای انجام تحقیقات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این‌طور نیست که ما در موسسه به صورت بوروکراتیک عمل کرده و محقق را معطل کنیم. درست برعکس است محققین اند که به دلیل چند شغلی بودن و عدم توجه به دوره زمانی تحقیق تأخیر می‌کنند و حتی برای تهیه یک پروپوزال مقدماتی تحقیق یک تا دو ماه وقت می‌گیرند، چه رسد به اجرای مراحل اصلی تحقیق، من به شما اطمینان می‌دهم که برای بررسی هر بخش از تحقیق که به موسسه عالی پژوهش مربوط است حداکثر بیش از یک هفته تا ده روز زمان نیاز نباشد.

شریف‌زادگان: یک نکته آخر هم بگویم راجع به تحقیقات، دانشگاه هم می‌تواند برای خودش تحقیقات نظری بکند. خیلی هم مفید است کمابینه با این تحقیقات نظری می‌تواند مقالات علمی و Textbook یا Hand book علمی هم تولید بکند. ولی آنچه که برای تحقیقات کاربردی مد نظر است، مشخصاتی است که آقای دکتر گفتند و در کشورها دیگر هم همین‌طور است. مثلاً در انگلستان دانشگاهی که برای وزارت برنامه‌ریزی و محیط زیست (DOE) کار می‌کند می‌داند که آنها، هم مسئله‌یابی می‌خواهند هم حل مسئله. بنابراین تحقیقات نمی‌توانند صددرصد نظری باشد. همیستم این تقاضا را از اینها دارد یعنی اینها پاسخگوی تقاضا هستند. در ایران هم این مسئله دو طرفه است یعنی هم دستگاه‌های اجرایی ما که استفاده‌کننده محصولات تحقیق اند باید به منظور ایجاد تقاضا برای مراکز پژوهش ظرفیت‌سازی کنند و هم مراکز تحقیقی و پژوهشی توانایی علمی و تجربی خود را برای مسئله‌یابی و حل مسأله‌ی بروز بدهند که البته علاوه بر توانایی علمی مستلزم آن است که شناخت لازم از محیط مورد تحقیق داشته باشند.

سعیدی: من می‌خواستم از آقای دکتر شکوری سؤال آخر را بکنم. به نظر شما دانشگاه برای پاسخگویی به این نیازها پر کردن این شکاف چه مشکلاتی دارد؟
شکوری: علم معمولاً به عنوان نهاد ثانوی تعریف میشود. جامعه‌ای که مسائل اصلی‌اش در سطح معیشتی است عالمان و دانشگاهها هم به نحوی متأثر از این خصیصه هستند و به ندرت می‌توانند در چارچوب رسالت اصلی‌شان یعنی علم برای علم و تحقیق در باب کشف روابط بین پدیده‌ها به طور مؤثر عمل کنند و مجال آن را ندارند تا به موضوعات ثانوی (خارج از مسائل معیشتی) بپردازند. یک استاد دانشگاه را در نظر بگیرید که حتی کفاف ۵۰ یا ۶۰ درصد اجاره خانه‌اش را نمی‌دهد، یا دانشگاهی که بودجه کافی حتی برای مسائل اولیه تحقیق ندارد یا با محدودیتهای زیاد مواجه است، به نظر نمی‌رسد که بتواند سهم قابل توجهی در تولید علم و طرح مسائل مبتلابه داشته باشد.

البته تقلیل مسائل علم و دانشگاه به موضوعات معیشتی شاید چندان صحیح نباشد ولی نکته مهم این است که اینها با مسائل ابتدایی درگیرند و این یک فاجعه است. در کنار اینها عوامل برون سازمانی (عدم توجه کافی به دانشگاهها یا عدم وجود اعتقاد راسخ به علم و مراکز علمی خصوصاً علوم اجتماعی در شناسایی و حل مشکلات جامعه) و درون‌سازمانی (مدیریتی، کمبود اساتید به

لحاظ کمی و کیفی، کمبود یا فقدان تجهیزات و امکانات تحقیق و... هم دخالت دارند.

به نظر می‌رسد وقتی شرایط به این‌گونه است، سازمانهای مرتبط نقش اساسی را برای پر کردن این خلأها یا کاستیها ایفا می‌کنند. در چنین حالتی یک فرآیند تقویت متقابل میان سازمانها و دانشگاهها در عمل تحقق خواهد یافت. البته باید به این واقعیت هم توجه کرد که فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خصلتی انباشتی دارند و فقط در صورت استمرار روندهای قبلی و فعالیتهای مستمر، مفید خواهند بود. اینها هم زمان برند و هم هزینه بر. محققان گاهی دو سال، یک سال، شش ماه واقعاً درگیرند. به نظر من علم گران است، باید یک مقدار دست و دلباز عمل کرد. نکته دیگر فرآیند طولانی و بوروکراتیکی است که در سازمانها برای بررسی و تصویب طرحهای پژوهشی وجود دارد. محققانی که درگیر کار شده می‌بینند که طرحش شش ماه خوابیده است یا سه سال بعد نتیجه تحقیق بیرون می‌آید. این‌گونه مسائل محققان را سرخورده می‌کند.

پناهی: برعکس در سازمان ما، صد در صد تحقیقاتمان شش ماه تأخیر دارد به دلیل اهمال و سهل‌انگاری اساتید محترم. ما هر چهارشنبه شورای پژوهشی داریم. من نام نمی‌برم، آقایان تشریف می‌آورند و یک پروپوزالی را ارائه می‌دهند بدون کوچک‌ترین مطالعات اکتشافی مثلاً یک استادی همین هفته قبل تشریف آوردند، در مورد وضعیت مستمری بگیران کارکنان سازمان، طرحی را خدمت ایشان دادیم. یک مقدار تئوریهای مازلو را گرفته بودند و دست آخر معلوم شد که نه سازمان را می‌شناسند نه می‌دانند بازمانده یعنی چه؟ نه می‌دانند جامعه آماری‌شان چیست، نه می‌دانند حجم نمونه‌شان چیست، نه می‌دانند چه کار می‌خواهند بکنند. مثل اینکه من به شما بگویم در مورد کرج یک چیز بنویس. هنوز نرفته کرج دست به خودکار می‌شوید و یک توضیحاتی می‌دهید و از خط سوم درمی‌آید که نمی‌دانید کرج غرب است یا شرق، اکثر طرحها، متأسفانه این‌طور است که اساتید به خودشان اصلاً زحمتی نمی‌دهند که حتی نیم ساعت با یک کارشناس مشاوره کنند. در سازمان ما قبل از اینکه طرحی در شورا بیاید، حوزه‌های نه‌گانه‌ای به نام مشاوره و نظارت داریم. این کمیته‌ها کارشان اول مشاوره دادن است و بعداً نظارت کردن بر مراحل مختلف کار. بعضی حوصله ندارند حتی پنج دقیقه با کارشناس مشورت کنند که سازمان تأمین اجتماعی، جامعه آماری‌اش چگونه است، چه مشکلاتی دارد و بلافاصله پرسشنامه را تهیه می‌کنند. ما خودمان خیلی رنج می‌بریم از اینکه نتوانیم بودجه تحقیقاتی‌مان را صرف کنیم و از یک طرف هم احساس مسئولیت می‌کنیم که این پول برای بیمه‌شدگان است و ما نمی‌توانیم هر کسی که آمد بدون هیچ مطالعه‌ای طرحها را واگذار کنیم. چون ما اصلاً دنبال تحقیقات نظری به آن معنا نیستیم. من به شما تحقیقاتی نشان می‌دهم، از اساتید معروف که واقعاً خجالت می‌کشیم اسمشان را روی آن بنویسیم. آبروی مؤسسه هم مطرح است، به هر حال دوستان هم باید تا جایی که امکان دارد انعطاف داشته باشند و تحقیق که انجام می‌دهند با مسئولیت انجام بدهند و کار را به دانشجویان نسپرند.

نه اینکه بخواهم گله کنم ما هم تقایمی داریم. امکان ندارد بررسی طرحی در سازمان ما به طور متوسط بیش از سه یا چهار هفته طول کشیده باشد. آن هم به دلیل اینکه آن طرف باید اصلاحات انجام دهد. گاهی اساتید دانشگاهی می‌گویند در دانشگاه به ما کاری ندارند، طرح را می‌گیریم سه چهار سال بازی می‌کنیم، شما چه خبر است که می‌گویید شش ماه و نه ماه، ما می‌گوییم طرحی که بالای نه ماه باشد، اقتصادی نیست، چون نمی‌دانیم زنده هستیم یا نه. غالباً یک ماه طول می‌کشد تا پژوهشگران و اساتید، پروپوزال خود را اصلاح کنند. به دلیل اینکه جاهای دیگر مشغول کارند. و گرنه ما اصرار داریم و حتی تحت فشار قرار داریم که طرحها هر چه زودتر به تصویب برسند و اجرا شود.